

خبر آزادسازی که به امام خمینی(ره) رسید، امام دست به قلم برده و پیامی در این باره صادر کردند و در بخشی از آن، چنین نگاشتند: "آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیهی بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان هستند، و این است فتح الفتوح. ... وجود چنین رزمندگانی را که در دو جبهه‌ی معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان، سرفراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم." (۰۸/۰۹/۱۳۶۰) در این پیام امام، نکته‌ی مهمی نهفته بود، و آن اینکه «همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند اما گفتند فتح الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان‌هاست؛

پایان سیاسی بن سلمان؟

جوان: یک هفته از ورود بی‌بازگشت جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار عربستانی، به کنسولگری عربستان در استانبول ترکیه می‌گذرد. این موضوع که در ابتدا چالشی بین دو دولت ترکیه و سعودی بود حالا ابعاد تازه‌ای پیدا کرده و صداهایی از آمریکا به گوش می‌رسد که به طور حتم برای محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، نگران‌کننده است. سانه‌های ترکیه و خارج از این کشور مثل دلیلی صباح، میدل ایست‌آی، واشنگتن پست، نیویورک تایمز، استریت تایمز، اشپیگل، گاردین و اسکای نیوز ماجرای خاشقجی را در این روزها پیگیری کردند. به دلیل این بهای سنگین است که بن سلمان در یک عقب‌نشینی آشکار به ترکیه اجازه تفتیش و بازرسی ساختمان کنسولگری‌اش را در استانبول داده است. این عقب‌نشینی بن سلمان نشان از اضطراب و نگرانی او دارد. مجتهد وضعیت بن سلمان را آن قدر وخیم می‌داند که از «پایان سیاسی» او و حتی کشیده شدن موضوع به دادگاه جنایی بین‌المللی لاهه و اعلان جرم علیه بن سلمان می‌گوید. شاید این پیش‌بینی مجتهد کمی غیرواقع‌بینانه به نظر برسد، اما اصل حرف او در مورد اضطراب و نگرانی بن سلمان واقعیت دارد و باید گفت که اضطراب و نگرانی او حالا تنها محدود به نحوه واکنش امریکایی‌ها نیست بلکه دغدغه اصلی او این است که مقامات ترکیه با او چه معامله‌ای خواهند کرد. وابستگی خاشقجی به جریان اخوان المسلمین و روابط نزدیک او با اعضای ارشد حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه مثل یاسین اکتای، مشاور ارشد اردوغان، همگی باعث می‌شود پرونده قتل او بعد تازه‌ای از تقابل بین بن سلمان و اردوغان ایجاد کند و مقامات ترکیه به این راحتی و با آن دست عقب‌نشینی کوتاه نخواهند آمد. بن سلمان در نوامبر سال گذشته و با حبس سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان، در ریاض دست به ماجراجویی خطرناکی زده بود که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در آن موقع به کمکش آمد و نجاتش داد، اما این ماجراجویی آن قدر مایه مافیایی دارد که به نظر می‌رسد حتی ترامپ هم حاضر نباشد برای نجات او قدمی بردارد و از ظواهر امر چنین برمی‌آید که تمام حیات سیاسی او به دست اردوغان افتاده تا تصمیم رئیس‌جمهور ترکیه سرنوشت سیاسی ولیعهد ماجراجوی آل‌سعود را معلوم کند.

شورای عالی اصلاح طلبان نماد استبداد است

فرهنگیان: رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام سابق حزب اعتماد ملی که این روزها و بعد از حواشی پیش آمده در کنگره اخیر این حزب، به‌طور جد در پی تاسیس حزبی جدید است، لیست امید مجلس و شورای شهر را «میوه تلخ» درخت شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان دانسته و تاکید کرده که این سازوکار انتخاباتی اصلاح‌طلبان (شورای عالی سیاستگذاری) برخلاف اصول و قواعد دموکراسی و نماد استبداد است. مجموعه کوچکی در حال مدیریت جریان اصلاحات است و این رویه خطری برای این جریان به شمار می‌رود. قائم‌مقام سابق حزب اعتماد ملی حتی عامل اختلافات در این حزب را هم شورای سیاستگذاری اصلاحات می‌داند و گفته که استارت اختلافات در این حزب زمانی زده شد که عده‌ای از سران احزاب اصلاح‌طلب از جمله خودش بر سازوکار حاکم بر شورای سیاستگذاری اعلام مخالفت کردند.

۱۴۳ نماینده و یک لحاف‌دوز

کیهان: نکته جالب آنکه تعداد مخالفین الحاق ایران به این کنوانسیون تقریباً برابر با کسانی است که خواستار شفافیت آرای نمایندگان بودند. نمایندگان موافق CFT می‌گویند رای به این الحاق در جهت منافع ملی و مصالح مردم است. در این میان اولین سؤالی که مطرح می‌شود آن است که این نمایندگان پس چه باک از شفافیت آن؟! این چه کار افتخارآمیز و ارزشمندی است که آقایان و خانم‌های محترم، نتوانستند معضل عدم شفافیت فقط در اقتصاد نیست و فضای سیاسی کشور نیز متأثر از این آفت است. کم نیستند مطربانی که ساز عراق می‌سازند و آهنگ بازگشت به حجاز می‌کنند. تابلوی اصولگرایی در دست دارند و هلیم اصلاحات را هم می‌زنند. طرف ۲۰ سال است سر سفره اصلاح‌طلبان زانو زده و هر روز می‌گویند ما اصولگرایان چنین و چنان! نه اصولگرایی، نه اصلاح‌طلبی و نه اعتدال و خط‌کشی‌ها و اسامی دیگری از این دست، واجد ارزش و اعتباری ذاتی نیستند و هرکس را باید در ترازوی اعمالش سنجید اما در فضای غبارآلود و غیرشفاف، جایی برای موشکافی نمی‌ماند و هر چه فضا غیرشفاف‌تر، اعتبار سنجش‌ها کمتر. سیاستمداری که بر اساس پیش‌بینی وزش باد، صبحانه را با اصولگرایان می‌خورد و ظهر میل اعتدال می‌کند و شب هوس اصلاحات می‌کند، فرصت‌طلبی است که بیشتر به درد کار در سازمان هواشناسی می‌خورد! آقای ظریف در مجلس یک بار دیگر جانانه از برجام دفاع کرده و آن را پیروزی و دستاورد خواندند. حریف وی یعنی جان کری به تازگی کتاب خاطرات خود را منتشر کرده و جزئیات جالبی از روند مذاکرات هسته‌ای را روایت کرده است. چرا آقای ظریف و سایر اعضای تیم هسته‌ای گوشه‌ای از خاطرات خواندنی خود از مذاکرات را منتشر نمی‌کنند تا ملت بیش از این با فتح‌الفتوح برجام آشنا شوند؟ آمریکایی‌ها که خود طرف مذاکره بوده‌اند و چیز جدیدی برایشان نیست. صهیونیست‌ها هم که بلافاصله پس از هر دور مذاکره میزبان ون‌دی شرم‌ن بودند و تبادل نظر می‌کردند. فقط مردم خودمان نامحرم هستند؟! تا کی باید مردم قربانی عدم شفافیت شوند؟ از آن ساده‌دلانی که شب توافق به خیال دلار هزار تومانی زدند و رقصیدند تا آن سبزی‌فروش و لحاف‌دوز و رای دهندگان چشم بسته و گوش به فرمان تکرار!

لايه و استثنا بودن امريكا

ايران: تصميم اخير دادگاه بين‌المللی لاهه مبنی بر اين بود که به خاطر خروج يکطرفه امريکا از معاهده بين‌المللی برجام، نصب تحريم‌های جديد عليه ايران، غيرقانونی است. پيروزی کشور ايران در دادگاه بين‌المللی، از اهميت خاص سياسی، معنوی و ديپلماتيک برخوردار بود. تا حدودی اين پيروزی معنوی، بالقوه می‌تواند نتايج محدود عملی در رابطه با اتحاديه اروپا داشته باشد. ولی چرا دستاورد و نتايجی محدود؟ از آنجا که دولت امريکا همواره يک «منزلت خاصی» برای خود قائل بوده، خود را ملتزم به معاهده‌های بين‌المللی نمی‌داند. خروج امريکا از معاهده محيط زيست پاریس، بی‌اهمیتی به کنوانسيون ژنو در منع شکنجه، شرکت نجستن در دادگاه جنایی جهانی، حق ویژه برای خویش که ۷۹۰ پایگاه نظامی در جهان برقرار کند، پایه‌ریزی نوعی مناسبات کاپیتولاسيون در کشورهای مختلف، همه اشاره به دید کشور امريکا نسبت به جایگاه استثنایی خود در جامعه جهانی دارد. بعضی از تئوريسين‌های علوم اجتماعی اين جنبه از کنش امريکا در فرآيند جهانی را، پارامترهای سلطه جهانی (امپرياليسم) امريکا معرفی می‌کنند. ولی گفتمان داخلی جامعه امريکا چگونه اين جنبه و «منزلت ویژه» را برای مصرف داخلی خود توجیه می‌کند؟ «استثنا پذیری امريکا»، امريکن اکسپشناليسم برای ناظران جهانی خارج از امريکا اين يک معما است که خودکامگی، يکجانبه‌گرایی و برتری‌جویی امريکا تا اين درجه از کجا نشأت می‌گیرد؟ با ریشه‌یابی در تاريخچه و بستر فرهنگی - سياسی جامعه امريکا شايد بتوان توضیحاتی يافت. اشغال نظامی کوبا و فيليپين اولین اقدام امپرياليستی بود که صورت گرفت. تئودور روزولت از همين ايدئولوژی و گفتمان «حق ویژه» استفاده کرد که تسخير نظامی کوبا و فيليپين را عرضه کند. بعدها البته مدرنیسم سلطه انسان بر طبيعت و سلطه انسان بر دیگری را به همراه داشت و در قرن بیستم، اين مفاهيم «رمانتيک - رسالتی - سرنوشت‌ساز» در تاريخ اوليه امريکا، در قالب توجیه فرهنگی امپرياليسم نو قرار گرفت. از طرف دیگر، مدتی است که تاريخ‌دانان امريکا مقوله‌ای را در جامعه مطرح کرده‌اند به نام «امريکن اکسپشناليسم»، به اين معنی که امريکا به خاطر آزادی‌های فردی، رفاه، هالیوود، تکنولوژی، وسعت کشور (و ابعاد اقتصادی‌اش)، در تاريخ و دنیای کنونی، منحصر به فرد و يک «استثنا» است. در اين راستا، نومحافظه‌کاران، تعبير وسیع‌تری از آن مفهوم ارايه دادند؛ به اين معنی که به خاطر اين شرايط منحصر به فرد، کشور امريکا دارای يک جایگاه و منزلت «استثنا در جهان» است. آنها در ذهن خود يک میثاق یا قرارداد نانوشته با دنيا تصور کرده‌اند که کشورشان منزلت و حق آقایی و سروری در دنيا دارد. از دیدگاه آنان، امريکا در مقابل سازمان‌های بين‌المللی چون سازمان ملل متحد و ديوان بين‌المللی کيفر، پاسخگو نیست. آنها معتقدند امريکا فرای معاهده‌های بين‌المللی بوده و الزامی ندارد که به آنها متعهد و پاييند باشد. ز طرف دیگر، از آنجا که درصد بسيار بالایی از مهاجران فرودست به امريکا در قرن بیستم، بعد از يک یا دو نسل، جایگاه اقتصادی/اجتماعی‌شان تغيير کرده و بنابرین، از نظر روانشناسی نسبت به روايت «جایگاه ویژه» کشور امريکا آمادگی ذهنی پیدا می‌کنند.

مانع سوئیفتی در تحریم ایران

دنیای اقتصاد: مرکز سوئیفت، یا «انجمن جهانی ارتباطات میان بانکی»، در بلژیک مستقر است ولی در هیات‌مدیره آن مدیرانی از بانک‌های آمریکایی و نهادهای دولت فدرال ایالات‌متحده عضویت دارند. این حضور به دولت آمریکا امکان می‌دهد علیه ایران عمل کند. جنگ داخلی در آمریکا بر سر تحریم سوئیفت در شرایطی است که پیش‌تر دو موسسه مالی بزرگ آمریکا اعلام کرده‌اند با تحریم‌های جدید علیه ایران همراهی نمی‌کنند. «جی‌پی مورگان» و «سیتی‌بانک» که در کمیته شبکه مالی سوئیفت عضویت دارند، اعلام کردند با تحریم‌های دولت ترامپ برای قطع دسترسی ایران به سوئیفت همراهی نمی‌کنند. این تصمیم در کنار تلاش کشورهای اروپایی و متحدان منطقه‌ای ایران برای دور زدن تحریم‌های جدید، نگرانی‌های مقامات آمریکایی را درخصوص اثرگذاری تحریم‌ها تشدید کرده است؛ تحریم‌هایی که قرار است از ۱۳ آبان اجرایی شوند. هر دوی این بانک‌ها نقشی مهم در تضمین عملکرد سوئیفت و همراهی اعضای آن با تحریم‌های جدید دارند؛ تحریم‌هایی که بانک مرکزی و شبکه زیرساخت‌های حیاتی ایران را هدف قرار خواهند داد. در این باره اختلافات ادامه‌دار میان دولت ترامپ و متحدان اروپایی او درخصوص اجرای تحریم‌های جدید ایران، این موسسات مالی آمریکا را وادار به حمایت از مواضع یکی از طرفین کرده است. مقامات آمریکایی که ماه‌ها در این زمینه تلاش کرده‌اند می‌گویند برخی بانک‌های آمریکا نظیر «جی‌پی مورگان» و «سیتی‌گروپ» این نکته را یادآور شده‌اند که در صورت همراهی نکردن با تحریم‌های ایران و کمک به قطع دسترسی این کشور به نظام مالی جهانی، هدف تحریم‌های دولت آمریکا قرار نخواهند گرفت.

